



واژگان

طلعت: رخسار، چهره، دیدار زینت: زیور، زیبایی‌بخش دیوان: مجموعه‌ای از شعرهای یک شاعر که در یک کتاب بگنجد.

در آغاز هر فصل از کتاب درسی شما عزیزان، یک بیت گنجانده شده است که گاهی اوقات دبیران محترم از آن‌ها و شاعران نامدارشان در امتحانات پرسش مطرح می‌کنند. بیت آغازین بخش تحمیدیه^۱ کتاب فارسی هشتم این چنین است:

«ای نام نکوی تو سردفتر دیوان‌ها وی طلعت روی تو، زینت‌ده عنوان‌ها
برگردان روان» ای پروردگاری که نام خوب تو آغازگر همه کتاب‌ها است و ای کسی که دیدن چهره تو، زیبایی‌بخش کتاب است.

تاریخ ادبیات...

شاعر	سال	آثار
ماه‌شرف خانم (مستوره کردستانی)	۱۲۶۴ - ۱۲۲۰ هجری	تاریخ اردلان - دیوان شعر توضیحات: اولین زن تاریخ‌نویس گُردزبان ایران که به دو زبان فارسی و گُردی شعر سروده است.

به نام خدایی که جان آفرید

واژگان

دستگیر: یاری‌رساننده، مددکار بنی آدم: انسان، فرزند حضرت انسان بخت: اقبال، شانس، قسمت متفق: هم‌فکر، هم‌عقیده گنه: ذات، عمق چیزی جلال: عظمت، بزرگی تأمل: اندیشیدن، درنگ کردن پرستار: فرمانبر، فرمان‌بردار، مطیع	کریم: بخشنده مرغ: در این جا به معنای پرنده (پرنندگان) خلیل: دوست، لقب حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> الهیّت: خدایی ماهیت: چیستی و ذات چیزی بصر: بنیایی، چشم صفا: پاکی، صداقت	مور: مورچه نیل: رودخانه‌ای بزرگ در کشور مصر فرمانده: ناتوان، عاجز، درمانده ماورا: آن‌سو، آن‌چه در پشت چیزی باشد. منتها: پایان هر چیز، آخر هر چیز مُحال: غیرممکن مصطفی: برگزیده
--	---	--

«به نام خدایی که جان آفرید سخن‌گفتن اندر زبان آفرید»

برگردان روان: به نام خدایی آغاز می‌کنم که به ما جان داد و چگونه سخن‌گفتن و اندیشیدن را آموخت.
نکات ادبی و زبانی: ۱) بیت بالا به آیه «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» تلمیح دارد. ۲) «سخن‌گفتن» مفعول واقع شده است. ۳) این بیت سه جمله دارد: به نام خدا / جان آفرید / سخن‌گفتن اندر زبان آفرید. ۴) «سخن» و «زبان» مراعات‌نظیر دارند.

۱- در زبان فارسی - به خصوص در متون مربوط به ادبیات و علوم انسانی - تمام کتاب‌ها در گذشته با شعر یا نثری آغاز می‌شد که محتوای آن حمد و ستایش خداوند و برگزیدگان او بود. این سنت ادبی تحمیدیه نام گرفته است. به عنوان مثال در کتاب فارسی هشتم، شعر صفحه ده - به نام خدایی که جان آفرید - به عنوان تحمیدیه برای این کتاب در نظر گرفته شده است.



«تأمل در آئینه دل کنی صفایی به تدریج حاصل کنی
 برگردان روان» اگر به آئینه دلت (درون خودت) خوب توجه کنی، کم کم به یک انسان شریف و صادق تبدیل می‌شوی.
 نکات ادبی و زبانی» ۱ آئینه دل ← اضافه تشبیهی (تشبیه بلیغ) است. دل: مُشَبَّه و آئینه: مُشَبَّه به ۲ واژه «کنی» ردیف محسوب می‌شود.
 «مُحال است سعدی که راه صف توان رفت جز بر پی مصطفی
 برگردان روان» ای سعدی، غیرممکن است که بتوانی در راه صفا و صداقت گام برداری بدون آن که رهرو حضرت محمد ﷺ (دین اسلام) باشی.
 نکات ادبی و زبانی» ۱ مُحال ← مُسند است. ۲ سعدی ← منادا است (حرف ندا (ای، یا و ...)) حذف شده است. ۳ ندا و منادا، یک جمله محسوب می‌شوند. ۴ بیت بالا سه جمله است. ۵ صفا و مصطفی جناس دارند. (این نوع از جناس در کتاب درسی شما نیامده و نام آن، جناس شبه‌اشتقاق است؛ یعنی دو کلمه از نظر حروف از یک جنس‌اند، طوری که به نظر می‌رسد از یک ریشه مشتق شده‌اند).

تاریخ ادبیات		
شاعر	قرن	آثار
مصلح‌الدین سعدی شیرازی	۷	دیوان اشعار (قصاید، غزلیات و ...) گلستان (نظم و نثر)، بوستان یا سعدی‌نامه (نظم) مجموعه آثار سعدی به «کلیات» هم معروف است.

واژه‌های مهم املائی

خطابخش - پوزش‌پذیر - متفق - الهیتش - گنه - ماورا - بصر - منتها - تأمل - حاصل - مُحال - مُصطفی

فصل اول

درس ۱

پیش از این‌ها

«چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی
 برگردان روان» پروردگار را از طریق دل و روح حس کن و ببین و به همین وسیله آنچه که با چشم سر نمی‌توانی ببینی، ببین.
 نکات ادبی و زبانی» ۱ چشم دل ← تشخیص ۲ «چشم دل»، «جان» و «آن» مفعول‌اند. ۳ «جان» و «آن» جناس هستند. ۴ تکرار صامت «ن» ← نغمه حروف (واج‌آرایی) ۵ چشم، دل، جان ← مراعات‌نظیر

تاریخ ادبیات		
شاعر	قرن	اثر
سید احمد هاتف اصفهانی (از شاعران افشاریه و زندیه)	ولادت: نیمه اول قرن ۱۲ اصفهان وفات: ۱۱۹۸ قم	دیوان اشعار (ترجیع‌بند عرفانی وی معروف است.)

خشت: آجر خام	بُرج: ساختمان بلند و مرتفع	عاج: دندان‌های بالایی فیل که گران‌قیمت است
طنین: صدای زنگ‌دار	نعره: فریادی که از روی ناراحتی و درد باشد	توفنده: پرخروش
تیت: قصد	بوریا: حصیری که از نی می‌بافند	ریا: دورویی، نفاق

پیش از این‌ها فکر می‌کردم خدا خانه‌ای دارد میان ابرها
برگردان روان در گذشته فکر می‌کردم که خدا در میان ابرها خانه دارد و آن‌جا زندگی می‌کند.

نکات ادبی و زبانی ۱ «م» در می‌کردم و «خدا»، نهادهای این دو جمله‌اند. ۲ «خانه‌ای» مفعول است.

مثل قصر پادشاه قصه‌ها خشتی از الماس و خشتی از طلا

برگردان روان با خودم فکر می‌کردم خانه خدا، مثل قصر پادشاهانی که در قصه‌ها بودند، از الماس و طلا ساخته شده است.

نکات ادبی و زبانی ۱ قصر — متمم؛ چرا که واژه‌های مثل، مانند، چون، همچون و ... حرف اضافه‌اند. ۲ مثل قصر — تشبیه ۳ الماس

و طلا — مراعات‌نظیر / قصر و پادشاه — مراعات‌نظیر ۴ واج‌آرایی مصوت بلند «آ»

پایه‌های بُرج‌ش از عاج و بلور بر سر تختی نشسته با غرور

برگردان روان فکر می‌کردم پایه‌های بُرجی که در آن زندگی می‌کند از عاج فیل و بلورهای گران‌قیمت است و خدا با غرور و تکبر روی یک تخت نشسته است.

نکات ادبی و زبانی «عاج و بلور — مجاز از اشیای قیمتی (البته کنایه هم محسوب می‌شود).

ماه برق کوچکی از تاج او هر ستاره پولکی از تاج او

برگردان روان (فکر می‌کردم) ماه — با تمام عظمتش — درخشش کوچکی از تاج روی سر خداست و ستاره‌ها، پولک‌های آن تاج‌اند.

نکات ادبی و زبانی ۱ «از تاج او» ردیف است. ۲ کوچک و پولک کلمات قافیه‌اند. ۳ ماه و ستاره، مراعات‌نظیر ساخته‌اند. ۴ در هر دو

جمله بالا، فعل «است» حذف شده است. ۵ آرایه اغراق در بیان شدت درخشندگی تاج خداوند (نسبت به ماه و ستاره)

رعد و برق شب طنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

برگردان روان رعد و برقی که در شب می‌زند، صدای خنده خداست و سیل و طوفان، فریاد بلند و خروشان اوست.

نکات ادبی و زبانی ۱ «خنده» و «توفنده» — واژه‌های قافیه‌اند. ۲ بیت ردیف ندارد. ۳ سیل و طوفان و رعد و برق — مراعات‌نظیر

۴ نعره و طنین — مراعات‌نظیر

هیچ کس از جای او آگاه نیست هیچ کس را در حضورش، راه نیست

برگردان روان هیچ کس نمی‌داند او کجاست و کسی نمی‌تواند در حضور او باشد و او را ببیند.

نکات ادبی و زبانی ۱ «آگاه» مُسند است. ۲ «راه» و «را» جناس‌اند. ۳ «را» در مصراع دوم، به معنی «برای»، حرف اضافه است. ۴ «نیست»

در مصراع دوم به معنی «وجود ندارد» است؛ پس فعل اسنادی محسوب نمی‌شود.

آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین خانه‌اش در آسمان دور از زمین

برگردان روان خدایی که در تصوّر من بود، خدایی بی‌رحم و عصبانی بود و در آسمان‌ها زندگی می‌کرد؛ جایی دور از زمین.

نکات ادبی و زبانی ۱ بی‌رحم و خشمگین / آسمان و زمین — مراعات‌نظیر ۲ آسمان و زمین — آرایه تضاد

بود، اما در میان ما نبود مهربان و ساده و زیبا نبود

برگردان روان آن خدایی که من فکر می‌کردم در میان انسان‌ها حضور نداشت و مهربان و ساده و زیبا نبود.

نکات ادبی و زبانی ۱ مهربان و ساده و زیبا — مراعات‌نظیر ۲ بود و نبود — تضاد ۳ «بود» و «نبود» در مصراع اول فعل اسنادی نیستند،

زیرا معنای «وجودداشتن» می‌دهند، اما «نبود» در مصراع دوم، فعل اسنادی است و «مهربان و ساده و زیبا» مسند هستند.

در دل او دوستی جایی نداشت مهربانی هیچ معنایی نداشت

برگردان روان در دل آن خدا (خدای بی‌رحم و سنگدل) دوستی ارزشی نداشت و مهربانی و عشق جایگاهی نداشت.

نکات ادبی و زبانی ۱ «نداشت» ردیف است. ۲ جایی و معنایی قافیه‌اند. ۳ دوستی و مهربانی — مراعات‌نظیر



« هر چه می‌پرسیدم از خود از خدا از زمین از آسمان از ابرها زود می‌گفتند: «این، کار خداست پرس و جو از کار او کاری خطاست»
برگردان روان هر چه از دیگران درباره خویش، درباره خدا، زمین، آسمان و ابرها (جهان آفرینش) می‌پرسیدم، آن‌ها خیلی سریع جواب می‌دادند که تو نباید از این سؤال‌ها بپرسی؛ چرا که پرسیدن در مورد کارهای خدا کاری بد و اشتباه است.
نکات ادبی و زبانی ۱ این دو بیت «موقوف‌المعانی» اند؛ یعنی معنای بیت اول با خواندن و معنای بیت دوم تکمیل می‌شود. ۲ نغمه حروف تکرار حرف «ک» و «ر» (در دومین بیت) ۳ آرایه تکرار: «کار» (در دومین بیت) ۴ برای شمردن تعداد جملات، در نظر گرفتن تعداد فعل‌ها (چه موجود و چه محذوف) مهم است:

هر چه می‌پرسیدم از خود از خدا از زمین از آسمان از ابرها می‌پرسیدم
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵

« نیّت من در نماز و در دعا ترس بود و وحشت از خشم خدا
برگردان روان از روی ترس و وحشتی که از خدا داشتیم، نماز می‌خواندم و دعا می‌کردم (منظور اجرای احکام دینی است).
نکات ادبی و زبانی ۱ ترس و وحشت و خشم ۲ مراعات‌نظیر «دعا» و «خدا» ۳ قافیه
 پیش از این‌ها خاطر دلیگیر بود از خدا در ذهنم این تصویر بود
برگردان روان قبلاً ناراحت و اندوهگین بودم و تصویری که از خدا در ذهنم بود تصویر خدای بی‌رحم و خشمگین بود.
نکات ادبی و زبانی ۱ واژه «بود» در این بیت ردیف محسوب می‌شود. ۲ «دلیگیر» مسند است. «بود» در مصراع دوم به معنای «وجود داشت» است؛ در نتیجه فعل غیراسنادی است.

« تا که یک شب، دست در دست پدر راه افتادم به قصد یک سفر
برگردان روان تا این‌که یک شب با پدرم همراه شدم و عازم یک سفر شدیم.
نکات ادبی و زبانی ۱ راه، قصد و سفر ۲ مراعات‌نظیر «قصد یک سفر» ۳ آرایه تکرار: «دست» ۴ «دست در دست» کنایه از «به همراه»

« در میان راه، در یک روستا خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا
برگردان روان در بین راه به یک روستا رسیدیم، آن‌جا یک خانه دیدیم که خیلی آشنا و خوب بود.
نکات ادبی و زبانی ۱ «میان راه» ۲ ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) ۳ «خانه‌ای» ۴ مفعول ۵ خوب و آشنا ۶ قید است، چون با حذف آن آسیبی به جمله وارد نمی‌شود.

« زود پرسیدم: «پدر این‌جا کجاست؟» گفت: «این‌جا، خانه خوب خداست»
برگردان روان بلافاصله از پدرم پرسیدم این خانه چه قدر آشناست؛ این‌جا کجاست؟ و پدرم گفت: این‌جا خانه خداوند است.
 گفت: «این‌جا می‌شود یک لحظه ماند گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند»
برگردان روان پدرم گفت: می‌شود این‌جا ماند و در کمال آرامش، در یک گوشه، نمازی ساده و دلچسب خواند.
نکات ادبی و زبانی «ساده» در مصراع دوم «قید» محسوب می‌شود.
 « با وضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت‌وگویی تازه کرد»
برگردان روان پدرم گفت: می‌شود با وضو، شاداب شد و با دل خود و با خدا راز و نیاز کرد.

نکات ادبی و زبانی ۱ «دست و رویی» و «گفت‌وگویی» مفعول این بیت هستند. ۲ «دست و رو تازه کردن» کنایه از شاداب و پرنشاط شدن
 گفتمش: «پس آن خدای خشمگین خانه‌اش این‌جاست؟ این‌جا در زمین؟»
برگردان روان به پدرم گفتم: پس خانه آن خدای عصبانی، این‌جا، روی زمین است؟

نکات ادبی و زبانی «ش» در این مصراع متمم است به او گفتم. «او» همان «ش» در گفتمش است.
 گفت: «آری خانه او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست»
برگردان روان پدرم گفت: بله. خانه خدا ساده و یکرنگ است و فرش‌های آن گلیم و حصیر است.
نکات ادبی و زبانی ۱ فرش و گلیم و بوریا ۲ مراعات‌نظیر «آری» یک شبه‌جمله است و هر شبه‌جمله، یک جمله محسوب می‌شود.

« مهربان و ساده و بی‌کینه است مثل نوری در دل آینه است»
برگردان روان خدا مهربان و ساده و بدون نیت انتقام است؛ مانند یک نور که در آینه افتاده باشد.
نکات ادبی و زبانی ۱ مثل نوری در دل آینه ۲ تشبیه ۳ «دل آینه» ۴ ترکیب اضافی ۵ تشبیه بلیغ ۶ منظور از آینه در این مصراع، «انسان» است.

«عادات او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی»
برگردان روان خدا با کسی دشمنی و عصبانیت ندارد، چرا که او اصل نور و روشنایی است.

نکات ادبی و زبانی ۱ بیت بالا به آیه معروف «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (سوره نور، آیه ۳۵) تلمیح دارد. ۲ مصراع دوم، دو جمله است: نام او

نور (است) و نشانش روشنی (است). ۳ واج آرایبی صامت‌های «ش» و «ن» در تمام بیت

تازه فهمیدیم: خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست

برگردان روان بعد از آن ماجرا فهمیدم که خدای من، همین خدای مهربان و آشنا و صمیمی است.

دوستی از من به من نزدیکتر از رگ گردن به من نزدیکتر

برگردان روان خدا دوستی است که از انسان به خودش نزدیکتر است. خدا از رگ گردن به انسان نزدیکتر است.

نکات ادبی و زبانی ۱ مصراع دوم اشاره دارد به آیه مشهور «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ، مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (سوره ق، آیه ۱۶) ۲ ردیف «به من

نزدیکتر» ۳ کلمات قافیه: «من» و «گردن»

می‌توانم بعد از این با این خدا دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا

برگردان روان پس از این می‌توانم با این خدا (که خدای واقعی من است، نه تصویری دور از واقعیت)، به دور از هرگونه دورویی دوست باشم.

آثار	سال	شاعر
آینه‌های ناگهان - به قول پرستو - در کوچه آفتاب - تنفس صبح - مثل چشمه مثل رود و ...	ولادت: ۱۳۳۸ دزفول وفات: ۱۳۸۶ تهران	قیصر امین‌پور

واژه‌های مهم املائی

قصر - قصه - الماس - عاج - مغرور - رعد و برق - طنین - نعره - توفنده - حضور - پرس‌وجو - قصد - وضو - بوریا - بی‌ریا

درس‌نامه

ما برای شناخت عمیق هر اثر ادبی، باید بتوانیم آن را نقد و بررسی کنیم. نخستین گام‌ها در شناخت روش بررسی، این است که ساختار و محتوای آن‌ها را بررسی کنیم.

برای بررسی ساختار (ظاهر و شکل بیرونی) هر اثر، باید به سه پرسش اساسی پاسخ بدهیم: ۱ متن اثر، به نثر است یا به نظم؟ ۲ شیوه بیان

آن نوشته «زبانی» است یا «ادبی»؟ ۳ واژه‌های آن اثر ساده‌اند یا دشوار؟

با توجه به همین نکته و طرح همین پرسش‌ها، دو بیت از ابیات درس یک را بررسی می‌کنیم:

نمونه ۱ «بود، اما در میان ما نبود مهربان و ساده و زیبا نبود

بیت بالا به نظم (شعر) است. شیوه بیان زبانی است. واژه‌هایی ساده دارد.

نمونه ۲ «رعد و برق شب، طنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

بیت بالا به نظم (شعر) است. شیوه بیان ادبی است. واژه‌های نسبتاً دشوارند.

۱ تفاوت شیوه «زبانی» و «ادبی» در زیبایی و به کار بردن تکنیک‌ها و آرایه‌های ادبی است.

۲ در زبان فارسی، بعضی حروف، مانند «ذ، ز، ض، ظ» تلفظ یکسان دارند. اما شکل نوشتاری آن‌ها متفاوت است؛ با دقت در

معنا، به املائی این گونه کلمات توجه کنید؛ مثلاً: زی (سمت، سوی، طرف) ذی (صاحب، دارای)



حکایت

به خدا چه بگویم؟

واژگان

غلام: نوکر، خدمتکار چرا: چریدن، علف‌خواری چهارپایان غیرگوشت‌خوار	ارباب: رئیس، صاحب انبوه: بسیاری، فراوانی، کثرت	صحرا: بیابان خداوند: در این جا به معنی صاحب چیزی
---	---	---

روزی غلامی گوسفندان اربابش را به صحرا بُرد.

برگردان روان > یک روز، خدمتکاری، گوسفندان ارباب خود را برای چریدن به بیابان و صحرا بُرد.

نکات ادبی و زبانی >> ۱ «غلامی» در این عبارت «نهاد» است. ۲ «روزی» قید است؛ چرا که با حذف آن آسیبی به جمله وارد نمی‌شود.

۳ «ش» در «اربابش» مضاف‌الیه است. ۴ «گوسفندان اربابش» مفعول است و «را» نشانهٔ مفعول. ۵ «صحرا» متمم است؛ چرا که بعد از حرف

اضافهٔ ۱ «به» آمده است. ۶ غلام و ارباب: تضاد ۷ گوسفند و صحرا: مراعات‌نظیر

گوسفندان در دشت سرگرم چرا بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن انبوه گوسفندان، به سراغ آن غلام (چوپان) رفت،

برگردان روان > گوسفندها در مرتع (دشت) مشغول چریدن بودند که رهگذری از راه رسید و با دیدن آن همه (زیادی) گوسفند، سراغ خدمتکار رفت.

گفت: «از این همه گوسفندان، یکی را به من بده».

برگردان روان > مسافر گفت: «از بین این همه گوسفند فراوان، یکی از آن‌ها را به من بده».

نکات ادبی و زبانی >> ۱ «ت» در گوسفندان < مضاف‌الیه ۲ «این همه» و «من» < متمم

چوپان گفت: «نه، نمی‌توانم این کار را بکنم؛ هرگز!».

برگردان روان > چوپان گفت: «نه، نمی‌توانم این کار را بکنم؛ اصلاً و ابداً».

نکات ادبی و زبانی >> «نه» و «هرگز» شبه‌جمله‌اند و هر کدام یک جمله محسوب می‌شوند.

مسافر گفت: «یکی را به من بفروش». چوپان گفت: «گوسفندان، از آن من نیست».

برگردان روان > مسافر گفت: «یکی از آن‌ها را به من بفروش». چوپان گفت: «این گوسفندها مال من نیست».

مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ ببرد».

برگردان روان > مرد مسافر به چوپان خدمتکار گفت: «به صاحب گوسفندان بگو که گرگ، گوسفند را گرفت و بُرد».

نکات ادبی و زبانی >> ۱ «ش» در خداوندش، نقش مضاف‌الیهی دارد. ۲ «خداوندش» نقش متممی دارد؛ چرا که گاهی اوقات «را» معنای «به» پیدا می‌کند.

غلام گفت: «به خدای چه بگویم؟»

برگردان روان > خدمتکار گفت: «به پروردگار چه جوابی بدهم و چه بگویم؟»

نکات ادبی و زبانی >> ۱ «خداوند» < متمم ۲ «چه» < مفعول < «چه» یعنی «چه چیزی» و «را» که نشانهٔ مفعول است، حذف شده است.

تاریخ ادبیات



نویسنده	قرن	اثر
ابوالقاسم قشیری	۵	رسالهٔ قشیریّه توضیحات: اصل کتاب به عربی است که یکی از شاگردان قشیری آن را به فارسی ترجمه کرده است. این کتاب شامل شرح اصطلاحات و معرفی مشایخ عرفانی است.

پرسش‌های درس اول

۱ ساختار عبارت‌ها و بیت‌های زیر را بررسی کنید.

- ۱ جهان متّفق بر الهیتش فرومانده از کنه ماهیتش
 ۲ مهربان و ساده و بی‌کینه بود مثل نوری در دل آینه بود
 ۳ دوستی از من به من نزدیک‌تر از رگ گردن به من نزدیک‌تر
 ۴ تازه فهمیدم: خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست
 ۵ پرستار امرش همه چیز و کس بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس
 ۶ به قدر می‌گویم و بی‌موقع و بی‌حساب نمی‌گویم؛ به قدر فهم مُستمعان می‌گویم.

۷ در سخن‌گفتن نیز باید اول، دل، پاک باشد.

- ۸ در دل او دوستی جایی نداشت مهربانی هیچ معنایی نداشت

۹ جاهای خالی را با کلمات مناسب، کامل کنید.

- ۱ شاعری است که به دو زبان فارسی و کردی، شعر سروده است.
 ۲ هاتف اصفهانی از شاعران دوره افشاریه و است. عرفانی وی نیز معروف است.
 ۳ «در کوچه آفتاب، و» از آثار است.
 ۴ مستوره کردستانی را نخستین زن کرد در ایران شمرده‌اند. «دیوان شعر» و از آثار اوست.
 ۵ رساله قشیریه اثر از عارفان قرن پنجم هجری است.

۶ معنای واژه‌های مشخص شده را در مقابل آن بنویسید.

- ۱ فرش‌هایش از گلیم و بوریاست:
 ۲ رعد و برق شب طنین خنده‌اش:
 ۳ پرستار امرش همه چیز و کس:
 ۴ پایه‌های برجش از عاج و بلور:
 ۵ فرومانده از کنه ماهیتش:
 ۶ تأمل در آینه دل کنی:
 ۷ بصر منتهای جمالش نیافت:
 ۸ سیل و طوفان نعره توفنده‌اش:

۹ واژه‌های نادرست را پیدا کنید و شکل درست آن‌ها را بنویسید.

- ۱ ای نام نکوی تو سردفتر دیوان‌ها وی تلعت روی تو، زینت‌ده عنوان‌ها:
 ۲ جهان متّفغ بر الهیتش فرومانده از گنه ماهیتش:
 ۳ پیش از این‌ها خاطرمد دلگیر بود از خدا در زهنم این تصویر بود:
 ۴ با وزوبی دست و روبی تازه کرد با دل خود گفت‌وگویی تازه کرد:

۵ درست یا نادرست بودن عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

- ۱ در نوشته‌های زبانی، از آرایه‌های ادبی استفاده نمی‌شود.
 ۲ برای بررسی محتوای یک اثر باید به ساختار آن توجه کرد.
 ۳ شعر «پیش از این‌ها» یک شعر کهن و حماسی است.
 ۴ در مصراع «ترس بود و وحشت از خشم خدا» آرایه مراعات‌نظیر به کار رفته است.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ گزینه درست را انتخاب کنید.

۱ در کدام یک از بیت‌های زیر از شیوه ادبی استفاده شده است؟

- الف هیچ کس از جای او آگاه نیست
 ب نیت من در نماز و در دعا
 ج خداوند بخشنده دستگیر
 د یکی را به سر برنهد تاج بخت
 هیچ کس را در حضورش راه نیست
 ترس بود و وحشت از خشم خدا
 کریم خطابخش پوزش‌پذیر
 یکی را به خاک اندر آرد ز تخت



۲ معنای واژه‌های «گنه، نعره، بوریا، پی» در کدام گزینه آمده است؟

الف: آغاز، فریاد، فرش، پا

ب: ذات، بیداد، فرش حصیری، پا

ج: آغاز، فریاد، فرش، دنبال

د: ذات، فریاد، فرش حصیری، دنبال

۳ در بیت «جهان متفق بر الهیتش / فرومانده از کنه ماهیتش» کدام گزینه معنای واژه متفق نیست؟

الف: همفکر

ب: هم عقیده

ج: همسان

د: هم‌رأی

۴ کدام گزینه از نظر مفهوم، با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

الف: ای یاد تو مونس روانم

ب: ای نام تو بهترین سرآغاز

ج: به نام خدایی که جان آفرید

د: ای نام نکوی تو سردفتر دیوان‌ها

۵ کدام یک از آثار زیر از قیصر امین‌پور نیست؟

الف: از آسمان سبز

ج: تنفس صبح

جز نام تو نیست بر زبانم
بی‌نام تو نامه کی کنم باز
سخن‌گفتن اندر زبان آفرید
وی طلعت روی تو، زینت‌ده عنوان‌ها

ب: آینه‌های ناگهان

د: مثل چشمه، مثل رود

۶ کدام آرایه ادبی در بیت زیر به کار نرفته است؟

«یکی را به سر بر نهد تاج بخت

الف: مراعات‌نظیر

ج: جناس

یکی را به خاک اندر آرد ز تخت»

ب: تشبیه

د: تشخیص

۷ در دو بیت زیر چند غلط املائی به کار رفته است؟

«تعمّل در آیینۀ دل کنی

مُهل است سعدی که راه صفا

الف: یک

ج: سه

صفایی به تدریج حاصل کنی

توان رفت جز بر پی مصطفی»

ب: دو

د: چهار

۸ در کدام بیت، واژه مشخص‌شده، درست معنی نشده است؟

الف: رعد و برق شب طنین خنده‌اش

ب: پرستار امرش همه چیز و کس

ج: بشر، ماورای جلالش نیافت

د: مثل قصر پادشاه قصه‌ها

سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش (فریاد)

بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس (مورچه)

بَصْر، منتهای جمالش نیافت (آخر)

خشتی از الماس و خشتی از طلا (آجرخام)

۹ در کدام گزینه واژه‌های به‌کاررفته هم‌خانواده نیستند؟

الف: شهید، مشهود، مشهود

ج: غفلت، مغفول، اغفال

ب: عالم، تعلیم، معمول

د: دانشگاه، دانشجو، داننده

پاسخ نامه تشریحی



پاسخ پرسش‌های درس اول

پاسخ ۱

- ۱ این بیت ادبی است. واژه‌های دشوار و دیرپاب در آن به کار رفته است (متفق، الهیت، کنه، ماهیت) و متن به نظم (شعر) است.
- ۲ این بیت ادبی است. از آرایه تشبیه در آن استفاده شده است (مثل نوری) و به نظم (شعر) است.
- ۳ این بیت ادبی است. با وجود داشتن واژه‌های ساده، از آرایه تلمیح استفاده شده (تلمیح به آیه «نحن اقرب الیه من حبل الوريد»: ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم) و به نظم (شعر) است.
- ۴ این بیت زبانی است. واژه‌های ساده‌ای در آن به کار رفته و در قالب نظم (شعر) نوشته شده است.
- ۵ این بیت زبانی است. واژه‌ها ساده و قابل فهم‌اند و در قالب نظم (شعر) نوشته شده است.
- ۶ این عبارت ادبی است. واژه‌هایی که در آن به کار گرفته شده، تا حدودی دشوارند و در قالب نثر نوشته شده است.
- ۷ این عبارت زبانی است. واژه‌هایش ساده و قابل فهم هستند و به نثر نوشته شده است.
- ۸ این بیت زبانی است. واژه‌های بسیار ساده‌ای در آن به کار رفته و در قالب نظم (شعر) آمده است.

پاسخ ۲

- ۱ مستوره کردستانی
- ۲ زندیه / ترجیع‌بند
- ۳ تنفس صبح - مثل چشمه، مثل رود - قیصر امین‌پور
- ۴ تاریخ‌نویس / تاریخ اردلان
- ۵ ابوالقاسم قشیری

پاسخ ۳

- ۱ بوریا: فرشی که از حصیر می‌بافند. حصیر از شاخه‌های درخت خرما ساخته می‌شود.
- ۲ طنین: صدای زنگ‌دار، انعکاس

۳ پرستار: فرمان‌بردار، مطیع

۴ عاج: دندان پیشین فیل

۵ گُنه: ذات، عمق

۶ تأمل: درنگ کردن، اندیشیدن

۷ بَصَر: چشم، بینایی

۸ نعره: فریاد بسیار بلند

پاسخ ۴

۱ طلعت درست است، نه تلعت

۲ متفق درست است، نه متفغ

۳ ذهنم درست است، نه زهنم

۴ وضویی درست است، نه وزویی

پاسخ ۵

۱ درست

۲ نادرست

۳ نادرست

۴ درست

پاسخ ۶

۱ گزینه ۳ در این بیت، یک تشبیه بلیغ وجود دارد و آن

«تاج بخت» است. در این اضافه تشبیهی بخت به تاج تشبیه

شده است. بیت‌های دیگر همه از شیوه زبانی بهره برده‌اند.

۲ گزینه ۲ گُنه: ذات / نعره: فریاد / بوریا: فرش حصیری /

پی: دنبال

۳ گزینه ۴ متفق یعنی هم‌فکر، هم‌رأی، هم‌عقیده؛ واژه همسان

یعنی همانند.

۴ گزینه ۱ چرا که در این گزینه یاد خدا را مونس و آرام‌بخش

روان انسان می‌داند اما، سه گزینه بعدی همه از آغاز کارها با

یاد و نام خدا حرف می‌زنند.

۵ گزینه ۱ «از آسمان سبز» سروده زنده‌یاد «سلمان هراتی است».

«آینه‌های ناگهان»، «تنفس صبح»، «مثل چشمه، مثل رود»،

«در کوچۀ آفتاب» و ... از آثار زنده‌یاد «قیصر امین‌پور» هستند.



۶ گزینه ۳ «سر، تاج و تخت» مراعات نظیر هستند. «تاج

بخت» اضافه تشبیهی است. «بخت و تخت» جناس محسوب می‌شود. فقط آرایه تشخیص در این بیت به کار نرفته است.

۷ گزینه ۳ تأمل درست است، نه تعجل

حاصل درست است، نه هاصل

مُحال درست است، نه مُهال

۸ گزینه الف طنین صدای زنگ‌دار، انعکاس صدا

۹ گزینه ب عالم و تعلیم با هم، هم‌خانواده‌اند. اما معمول

از یک خانواده دیگر به شمار می‌رود. عالم و تعلیم از سه

حرف اصلی (ع، ل، م) ریشه می‌گیرند؛ اما معمول از (ع م ل).